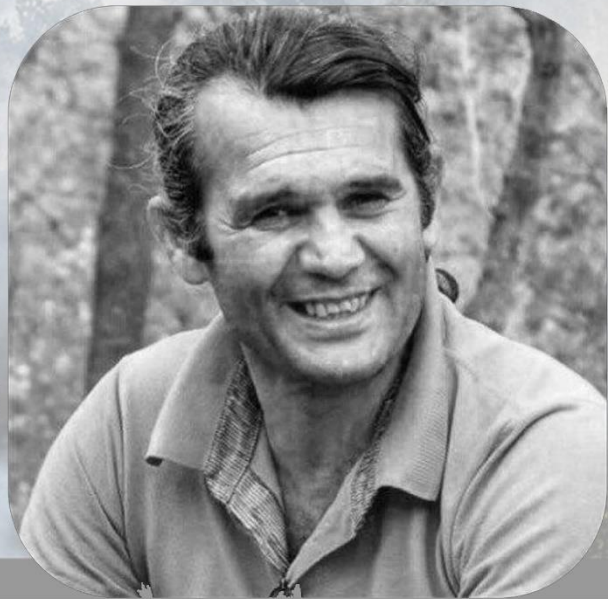


فرزند زریوار و شلر

مصاحبه نشریه آتش با رفیق لقمان ویسی
درباره زندگی، فعالیت ها و مرگ زنده یاد
شریف باجور



فرزند زریوار و شلر

مصاحبه نشریه آتش با رفیق لقمان ویسی درباره زندگی،
دیدگاه ها و مرگ زنده یاد شریف باجور

توضیح نام جزوه: زریوار دریاچه ای در مریوان و شلر دره و منطقه جنگلی و مرزی بین کردستان ایران و عراق

مقدمه آتش

مرگ دردناک زنده یادان شریف باجور، امید کهنه پوشی، محمد پژوهی و رحمت حکیمی نیا در تاریخ سوم شهریور ۱۳۹۷ و در جریان خاموش کردن آتش سوزی جنگلهای منطقه پيله و سلسی شهرستان مریوان نمونه دیگری از ناتوانی دولت جمهوری اسلامی در مواجهه با مشکلات زیست محیطی و همچنین عزم و تلاش مردم برای جلوگیری از روند فزاینده تخریب محیط زیست بود. جان باختن شریف و دیگر دوستانش به شکل گیری یک حرکت اعتراضی علیه جمهوری اسلامی منجر شد و صدها نفر از فعالین سیاسی و مدنی شهر مریوان و حتی شهرهای دیگر کردستان مراسم خاکسپاری آنها را محلی برای بیان نا کارآمدی و فساد جمهوری اسلامی و دشمنی آشتی ناپذیر نظام سرمایه داری با محیط زیست تبدیل کردند. از سوی دیگر برخی از جریانات ناسیونالیست کردستان کوشیدند از مرگ حماسی شریف و دوستانش به عنوان تریبونی برای تبلیغ و ترویج خط ناسیونالیستی شان استفاده کنند. به همین علت تصمیم گرفتیم با رفیق لقمان ویسی از فعالین چپ جنبش معلمان کردستان و ایران مصاحبه ای در این مورد داشته باشیم. رفیق لقمان از نزدیک با زنده یاد شریف باجور سالها آشنایی و دوستی داشته و با دغدغه ها، تفکرات، فعالیتهای وی آشنا است. از وی برای پذیرش این مصاحبه سپاسگذاریم.

نشریه آتش شهریور ۱۳۹۷

سوال) با تشکر از شما رفیق لقمان و با گرامی داشت خاطره جان باختگان حادثه آتش سوزی جنگلهای مریوان. همان طور که می دانید نابودی محیط زیست تنها محدود به یک منطقه یا کشور نیست و یک روند جهانی است. علت نابودی محیط زیست در نظام سرمایه داری، کارکردها و دینامیکهای این نظام تولیدی و اجتماعی و قانون «گسترش بیاب یا بمیر» سرمایه است که خود این قانون هم ناشی از آنارشی تولید و رقابت سرمایه های رقیب است. در چند ساله اخیر به موازات تشدید بحران محیط زیست در ایران و منطقه، توجه به مشکلات زیست محیطی هم در جامعه ایران به شکل محسوسی بالا رفته است. پدیده های هولناک و مرگباری مثل افزایش آلودگی شهرها، ریزگردها، وارونگی هوا، خشکیدن تالاب ها و دریاچه ها و غیره آن چنان ملموس و تکان دهنده است که افکار عمومی نمی توانند نسبت به آن ها بی اعتنا باشند. بخشی از جامعه و نیز کارشناسانی که افق دیدشان نسبت به مسائل زیست محیطی و اجتماعی گسترده تر است، سریع تر عکس العمل نشان می دهند. عکس العملی که به ناگزیر شکل انتقاد و اعتراض و افشای سودجویی ها و سوء مدیریت های نهادینه در نظام حاکم را به خود می گیرد. از این منظر، نقش افراد مبارزی مثل شریف باجور و رفقاییش و دیگر فعالین محیط زیست در ایران و جهان دارای اهمیت است. شما این مسئله و فعالیت چنین افرادی را چگونه ارزیابی می کنید؟ ضمن اینکه درباره زندگی و شخصیت زنده یاد شریف باجور هم صحبت کنید.

رفیق لقمان ویسی) به طور کلی جامعه کردستان هم مانند دیگر جوامع امروزی، یک جامعه طبقاتی است و همین مساله باعث شده که جنبشهای اجتماعی مختلف با خاستگاههای مختلف در آن فعالیت داشته باشند. کردستان به عنوان جامعه ای دارای سنت مبارزاتی چپ، بخش زیادی از فعالین و تشکلهای صنفی، کارگری و مدنی را تحت تاثیر خودش دارد. مردم کردستان و مریوان خاطره شوراهای مردمی سالهای اول انقلاب، کوچ مریوان (۱)، یکیتی جوتیاران (اتحادیه دهقانان)، انجمن زنان، جامعه معلمین و دیگر نهادهای انقلابی و شورایی را به یاد دارند.

شریف باجور یکی از فعالین شهر مریوان بود که به نظر من نمی شود شخصیت و فعالیتهايش را حتی در چهارچوب یک فعال زیست محیطی محدود کرد. شریف کسی بود که در زلزله های مختلف در ایران از زلزله رودبار و منجیل تا زلزله سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی که باعث کشته شدن مردم محروم و روستایی شد، فعال و پیگیر بود. شریف کسی بود که همراه با دوستان دیگرش از اولین ساعات پس از وقوع زلزله به منطقه رفتند و تا آخرین روزهای زندگیش هم در آنجا حضور داشت و ارتباطش را با مردم منطقه قطع نکرد. بسیاری از مردم محلی مناطق ثلاث و آژگله به مریوان آمدند و در مراسم

خاکسپاری او شرکت کردند. در حوزه محیط زیست هم شریف و دوستانش هر کجا آتش سوزی اتفاق می افتاد و زیست بوم حیوانات به خطر می افتد، در صحنه حضور داشتند و فعالیت می کردند.

خود کاک شریف در یک خانواده زحمتکش و در حاشیه شهر مریوان بزرگ شد. پدرش را در نوجوانی از دست داد و برای کارگری به شهرهای بزرگ ایران مثل تهران رفت. شریف با رنج و فقر مردم زحمتکش آشنا بود و همین مساله باعث شد زمانی که مثلاً رفیق رضا شهابی زندانی شد و در زندان دست به اعتصاب غذا زد، شریف هم اعتصاب غذا کرد و همزمان با دوچرخه از مریوان تا تهران را رکاب زد و در خانه رضا شهابی اعتصاب غذای خودش را شکست. این اقدام کاک شریف یکی از صفحات زرین وحدت جنبشهای اجتماعی بود. او خودش را متعلق به حزب خاصی نمی دانست اما انسان مترقی بود که سعی داشت در مسیری گام بردارد و مبارزه کند تا به بهبود وضعیت اجتماعی و یک جهان بهتر برای همه مردم منجر شود. باید بگویم که بر خلاف ادعای برخی جریان‌های ناسیونالیست که به دنبال مصادره کردن نام شریف برای اهدافشان هستند، آرمانها، آرزوها، فعالیتها و زندگی او به هیچوجه در چهارچوب یک ایدئولوژی محدود ناسیونالیستی نمی گنجد.

سوال) رویداد جان باختن شریف و سایر رفقاییش به چه شکل بود؟ بحثهای مختلفی در این مورد وجود دارد. از اینکه آنها به طور مستقیم توسط گلوله باران نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه کشته شدند تا اینکه عامل مرگ، انفجار مینهایی بود که سپاه در سالهای جنگ کردستان در منطقه کاشته بود. عده ای معتقدند آتش سوزی در اثر بمباران و گلوله باران نیروهای سپاه که به دنبال به کمین انداختن پیشمرگان جریان عبدالله مهندی در منطقه بودند، اتفاق افتاد. و برخی هم بر این باورند که علت مرگ، گرفتار شدن در محاصره آتش و حریق بوده است. شما این مساله را چطور می بینید؟

رفیق لقمان ویسی) من در این مصاحبه نمی توانم در مورد علت و روند مرگ این عزیزان حکم بدهم و این مساله نیازمند گذشت زمان و تحقیقات محلی بیشتری است. اما میخوام در مورد فعالین محیط زیست و وضعیت شهر مریوان در روزهای قبل از این حادثه کمی صحبت کنم. شریف باجور و امید کهنه پوشی را من سالها میشناسم و در زمینه کارشان و اطفای حریق آدمهای با تجربه ای بودند. به باور من این مرگ هرگز تصادفی نبوده است. منطقه مریوان در طول هشت سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق که البته جنگ مردم این دو کشور نبود و همچنین در جریان جنگ انقلابی ده ساله در کردستان، سالها یک منطقه میلیتاریزه بود و مین گذرای شده بود. متأسفانه این مینها هنوز هم روزانه جان مردم را تهدید میکنند. بنابراین حاکمیت نمی تواند خود را از مساله جان باختن این عزیزان مبرا کند. اما بنا به گفته شاهدان حاضر در محل آتش سوزی یعنی روستاهای پيله و سلاسی، یک انفجار مهیبی اتفاق

افتاده و بعد از چند ساعت متوجه شدند که تعدادی هلیکوپتر خیلی دیر به منطقه اعزام شدند. یعنی احتمال انفجار مین خیلی بالا است.

همچنین شریف و دیگر فعالین زیست محیطی شهر در روزهای قبل از آتش سوزی با مقامات حکومتی و شهری درگیر یک مبارزه و جدل شده بودند. علت این برخوردها، تلنبار شدن آشغال و زباله طی چندین روز متوالی بود که سلامت عمومی شهر را به خطر انداخته بود. فعالین زیست محیطی و مدنی مریوان از جمله کاک شریف، به دنبال سازماندهی یک اعتراض عمومی به این وضعیت بودند. یکی از اعضای شورای شهر مریوان در محل کار شریف، او را تهدید به دستگیری و برخورد کرده بود. اگر تمام این قطعات پازل را کنار هم بگذاریم خواهیم دید که احتمالاً این مرگها اتفاقی نبوده است.

سوال) کمی بیشتر در مورد مسئولین محلی و اختلافات شان با شریف و سایر فعالین مدنی و سیاسی شهر صحبت کنید. مثلاً تحقیقات من حاکی از آن است که فعالین زیست محیطی در چندین جلسه (که دقیقاً نمیدانیم جلسه رسمی بوده یا خیر) با مسئولین شورای شهر، بحث و مجادله و چالش شدید داشته اند.

رفیق لقمان ویسی) ببینید مردم در سراسر ایران و از جمله در کردستان به این نتیجه رسیده اند که اگر میخواهند امور مبارزاتی و مطالباتی خود را پیش ببرند باید در تشکلهای مستقل از دولت متشکل بشوند. تشکلهای کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان، محیط زیستی و غیره ظرفیتهایی هستند که فعالین اجتماعی و سیاسی مستقل از دولت و کسانی که معتقدند مبارزه باید در کف جامعه جریان داشته باشد و به مبارزه از پایین و با تکیه بر اراده و نیروی مردم و زحمتکشان و کارگران معتقدند، در آنها فعالیت می کنند. طی دو دهه اخیر بسیاری از فعالین در این تشکلهای جمع شدند و طبیعی است که در مریوان هم به عنوان یکی از شهرهای زیر سلطه حاکمیت جمهوری اسلامی این اتفاق بیافتد. این فعالیتها در مریوان مسبوق به سابقه است. مثلاً چند سال پیش معضل جمع شدن زباله ها پیش آمده بود که مردم مریوان و از جمله کاک شریف همراه با مردم چند روستای مریوان معترض شدند و این فعالین بودند که با حمایت مردم توانستند اعتراضات را به جایی برسانند که مسئولین را وادار کنند برای حل مسأله زباله ها یک اقدام مدرن و امروزی و سالم بیاندیشند. فعالین سیاسی و مدنی در مریوان به اشکال مختلف و در ابعاد و زمینه های گوناگون با مسئولین حکومتی درگیرند. مرگ زنده یاد شریف این درگیری را علنی و رسانه ای کرد اما این تنش و تضاد بین مردم و حاکمیت همواره جریان دارد. مثلاً مسأله کولبران یا تلفات جاده ها یا مسأله کارگران و غیره. اینها مدام بین مردم و حکومت ایجاد تضاد و اختلاف می کند و بسیاری از این مسائل مردم را به این نتیجه رسانده که نه هیچکدام از نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی مانند شورای شهر و نمایندگان مجلس و غیره قادر به کمک به مردم و حل مسائل آنها نیستند.

در مورد شورای اسلامی شهر مریوان یا دیگر نهادهایی مانند مجلس شورای اسلامی و غیره که ادعا می شود فلسفه وجودی شان در خدمت مردم و منافع مردم است، باید افشاگری کرد. باید کل مناسباتی را زیر سوال و نقد ببریم که در کل ایران و کردستان هر روز باعث تکرار و بازتولید فجایع میشوند. اینها در چهارچوب جمهوری اسلامی اساساً نهادهایی هستند در خدمت به بقا و بازتولید وضع موجود. یعنی همین وضعیت اسف باری که شاهدش هستیم.

سوال) در روزهای اخیر بحثهایی شد در مورد اینکه جریانات ناسیونالیست و به طور مشخص حزب دمکرات کردستان ایران مدعی پیوند شریف باجور با این حزب یا دیدگاه ها و نقطه نظرات این حزب شده اند. آیا شریف هیچگونه پیوند تشکیلاتی، فکری و مشخصی با این حزب یا سایر جریانات و احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد مثل جریان عبدالله مهتدی، پژاک و غیره داشت؟ چقدر نگرش سیاسی و اجتماعی شریف را در چهارچوب ناسیونالیسم کرد می توان تعریف کرد؟

رفیق لقمان ویسی) احزاب ناسیونالیست کرد از حزب دمکرات تا سازمان زحمتکشان کردستان (جریانهای مهتدی و عمر ایلخانی زاده) و سایر جریانات ناسیونالیست کرد اساساً باوری به جنبشهای مردمی و اجتماعی از پایین ندارند. حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان برای اینکه بخواهند پروژه رژیم پنج آمریکا را در ایران عملی کنند و عراقیزه شدن ایران و کردستان را جلو ببرند، به صورت علنی با کشورهای امپریالیستی و بورژوایی منطقه مغالزه می کنند و سعی می کنند در آینده ایران برای خودشان جایگاهی پیدا کنند. این جنبشها به صورت ماهوی ربطی به جنبشهای مستقل و از پایین اجتماعی ندارند. سناریوهای امپریالیستی و بورژوایی نمی توانند کوچکترین نقطه امیدی برای کارگران و مردم زحمتکش کردستان باشند. احزاب ناسیونالیست به علت عدم باور به انقلاب و به نیروی مردم دست به دامن مرتجعین و امپریالیستها شده اند.

اما در مورد شریف باید گفت به علت عرصه وسیع فعالیتها و حتی تفکرش قابل محدود کردن در چهارچوب حزب دمکرات کردستان ایران یا سایر احزاب و جریانات ناسیونالیستی کرد نیست. شریف به صورت علنی هیچگاه اعلام نکرده بود که کمونیست است و به مارکسیسم باور دارد اما هیچگاه دست کم در سالهای آخر زندگی اش اعلام نکرده بود حزب دمکراتی است یا هوادار حزب دمکرات است.

بعد از انتشار خبر جان باختن کاک شریف و دوستانش یکی از نمایندگان ناسیونالیستهای مریوان که در میدان شبرنگ برای مردم صحبت می کرد گفت: «ما به بیمارستان بر میگردیم و بدون شعار و با آرامش کامل و تا زمانی که مذاکره های مان با نهادهای دولتی به نتیجه برسد، با آرامش عمل می کنیم». خوب این همان خط قدیمی حزب دمکرات کردستان است. می دانیم حزب دمکرات کردستان

ایران از همان سالهای اول انقلاب و جنبش و جنگ انقلابی کردستان، وارد مذاکرات پشت پرده با جمهوری اسلامی شد. اما فردای روزی که آن فرد ناسیونالیست صحبت از مذاکره با مسئولین کرد، فعالین چپ و مترقی مریوان در صحنه حاضر شدند، ورق را برگرداندن و حزب دمکرات به شدت از این وضعیت عقب است. همین الان که من در حال صحبت با شما هستم از دیروز در سنج صدها نفر از فعالین و مردم در کوه آبیدر و در منطقه ای به نام گزه کوره تجمع کرده و با خواندن سرودهای انقلابی و خواندن بیانیه، یاد کاک شریف را گرامی داشتند. این پیوند میان مردم مریوان و سنج با پیشروان جامعه کردستان از سالهای اول جنگ انقلابی کردستان و کوچ مردم مریوان و سنج ادامه دارد و این یک پیوند ناسیونالیستی نیست. فعالین و مردم مترقی و انقلابی کردستان بر این باورند که رفع ستم بر مردم کردستان فقط از راه اتحاد با جنبش مردمی و سوسیالیستی سراسر ایران ممکن است و نه پروژه های امپریالیستی که امثال حزب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیستی آن را طرح می کنند. من به جرات میتوانم بگویم عملکرد و زندگی شریف باجور به هیچ وجه در چهارچوب تفکرات و برنامه ها و دیدگاه های حزب دمکرات و دیگر احزاب ناسیونالیست کرد نمی گنجد. چون جریانات ناسیونالیستی اساسا مساله شان با حاکمیت، سهم خواهی است و نه رفع و ریشه کن کردن نظام ستم و استثمار طبقاتی، ستم جنسیتی و ملی و سایر ستمها.

سوال) کمی هم در مورد مراسم خاکسپاری شریف صحبت کنید. فیلمها و تصاویر نشان می دهند که مبارزه اعتراضی خوبی صورت گرفت در این مراسم، اصلا از نوع مراسمهای سنتی خاکسپاری نبود و خیلی سویی اعتراضی و مبارزاتی داشت.

رفیق لقمان ویسی) بله این مراسم به یک کارزار افشاگری و ضدیت با حکومت تبدیل شد. ناسیونالیستها میخواستند تشییع جنازه شریف، امید و دو عزیز دیگری که در همین فاجعه جان باختند به یک حرکت آرام و اخته تبدیل شود اما جریانات انقلابی و مترقی شهر بر این تاکید کردند که این خاکسپاری باید به یک حرکت اعتراضی روشن و موثر تبدیل شود و ناسیونالیستها برای چندمین بار خلع سلاح شدند. مردم مریوان و مشخصا یکی از زنانی که در این مراسم حضور داشت، اجازه ندادند که یکی از نمایندگان سابق مجلس صحبت کند. همچنانکه مانع از صحبت فرماندار سابق مریوان شدند و ماشینش مورد حمله مردم قرار گرفت و امام جمعه مریوان هم به سکوت کشانده شد. از اهالی مناطق زلزله زده ثلاث و باباجانی هم در این مراسم حضور داشتند.

یک نکته مهم و سنت شکنانه دیگر در این مراسم این بود که بر خلاف سنت ارتجاعی موجود در کردستان که مانع از حضور زنان در روز خاکسپاری می شوند، صدها زن مترقی و انقلابی در این مراسم شرکت کردند. مردم شعار می دادند و شریف و دوستانش را شهید خطاب می کردند. علیه اعدامها از جمله حکم اعدام رامین حسین پناهی اعتراض می شد و یک سخنرانی هم علیه نظام سرمایه داری و

روند نابود سازی محیط زیست در این نظام شد. فرد سخنران در حین سخنرانی اش با ترامپ و اسرائیل مرزبندی کرد و اینها مسائل خوشایند ناسیونالیستهای کرد نیست.

سوال) در جواب به سوال اول نکته مهمی را مطرح کردید که شریف باجور را نمی توان فقط در چهارچوب فعالین محیط زیست محدود کرد. چون به نظرم این بحث مهمی است. ما بیش از یک دهه است که با گسترش سیاستهای هویتی در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی روبرو هستیم. این گرایشها معتقدند فعالین یک عرصه فقط فعال همان عرصه هستند و مثلا شما اگر در زمینه محیط زیست فعال هستید، هویت سیاسی تان باید این فعال محیط زیست بودن بشود. یا فعالین جنبش کارگری یا جنبش زنان یا معلمان، فقط باید منافع خود را دنبال کنند نه چیز بیشتری را. مساله ای که به اعتقاد ما نادرست است و تبعات سیاسی بدی دارد. آیا شریف و دوستانش مساله محیط زیست را هویت خود میدانستند یا فعال اجتماعی و سیاسی بودند که در حوزه های مختلف فعالیت می کردند؟ آیا باید به این گسلها و جنبشها به صورت نه‌های جدا جدا و نا مرتبط به هم نگاه کرد؟ حزب ما یعنی حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست) در سندی با عنوان *بیانیه انقلاب (۲)* که در انتهای آن هفت گسل اجتماعی که حول آنها جنبش و مبارزه اجتماعی هم شکل گرفته است، این خط را جلو گذاشته که به یک جنبش سراسری نیاز است که اگر چه موجودیت این گسلها و تضادها و جنبشها را به رسمیت شناخته و حتی خودویژگی های هر کدام از آنها را لحاظ می کند اما قائل به وحدت آنها در مسیر یک هدف است. هدف انقلاب کمونیستی و استقرار دولت سوسیالیستی که قادر به ریشه کن کردن و از بین بردن تمام انواع ستم، تبعیض، بهره کشی و فاجعه از جمله فجایع زیست محیطی. شما این مساله را چطور می بینید؟

رفیق لقمان ویسی) باید بگویم سالها فعالیت در حوزه های مختلف اجتماعی و مبارزاتی شریف باجور را به این نتیجه رسانده بود که تفکیک و انفکاک جنبشها از هم نمیتواند راه به جایی ببرد و تضادی را حل کند. بسیاری از فعالین مدنی به این نتیجه رسیده بودند که نظام سرمایه داری در ابعاد مختلف بحران و نابودی و فاجعه برای مردم به وجود می آورد و نباید این جبهه های مبارزه و فعالیت را از هم جدا کرد. مثلا جنبش کارگری اگر قرار باشد به مساله محیط زیست بی توجهی کند، به نظر من نمی تواند معرف یک جنبش کارگری باشد که ما در این در دوران به آن نیازمندیم. یا جنبش زنان به همین شکل که اگر خود را فقط در حصار دیدگاه های فمینیستی و بورژوا دمکراتیک محدود کند و به مساله سایر جنبشهای اجتماعی و مساله انقلاب سیاسی و اجتماعی کمونیستی و سوسیالیستی نپردازد، نمی تواند به جایی برسد که مساله ستم بر زن را از بین برده و ریشه کن کند. همین مساله در مورد جنبش محیط زیست هم صادق است. انواع این ستمها و فجایعی که علیه مردم در ایران و سراسر جهان اعمال

می شوند یک منشأ و ریشه واحد دارند و آن هم حاکمیت یک سیستم استثمارگر و سرکوبگر است که باید همه جانبه از بین برود و ریشه کن شود. بنا بر این اتحاد این جنبشها برای رسیدن به این هدف اصلی و جهانی، ضروری است.

شریف و سایر دوستانش همانطور که قبلا هم گفتم در ماجرای زلزله سر پل به صورت فعال شرکت داشتند، در احداث کمپها کمک کردند و در سازماندهی کمکهای مردمی نقش مهمی ایفا کردند. حتی می توانم بگویم در اثر حضور فعالینی مثل شریف، یک فرهنگ پیشروی همکاری و همدلی و تعاون در منطقه به وجود می آمد. شریف باجور در پیوند با جنبش معلمان بود. آخرین باری که بازداشت شد به علت حضورش در جمع معلمان متحصن با یک بسته شیرینی بود. با فشار انجمن صنفی و معلمین مریوان روی فرماندار بود که مجبور شدند شریف را آزاد کنند. در همین مورد مصاحبه ای هم با شریف شد که قابل دسترسی است. در دوره ای که فعالین کارگری مثل رضا شهابی در زندان اعتصاب غذا می کردند، شریف تأکید کرد به عنوان یک فعال اجتماعی و مدنی با جنبش کارگری ایران پیوند دارم و متحد این جنبش هستم. درست است که شریف در جایی جان باخت که میخواست مانع از نابودی محیط زیست بشود اما او خودش را صرفاً به فعالیتهای محیط زیستی محدود نکرده بود و خودش را متعلق به جنبش مترقی می دانست که خواهان عبور از کل این شرایط نا برابر بود.

سوال) رفیق لقمان، جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگی است و جمهوری اسلامی در سراسیمه سقوط قرار دارد. وقتی جامعه آبستن حوادث بزرگی است، بدون شک نقش افراد پیشرویی همچون زنده یاد شریف باجور در این مورد بسیار برجسته است. هفته گذشته مردم مبارز سنندج از زن و مرد یاد و خاطره شریف و رفقاییش را چه در شهر سنندج در مسجد بزرگ بدون این که هیچ نشانی از مراسم مذهبی و فاتحه خوانی باشد با سرودهای انقلابی و همچنین در کوه آبیدر با شعارهای انقلابی گرامی داشتند شما این تفاوت را در رابطه با جنایت هایی که رژیم در سایر نقاط ایران رخ داده ولی با چنین اعتراضی و مراسمی روبرو نیست را چگونه ارزیابی می کنید؟

رفیق لقمان ویسی) منطقه کردستان چه پیش و چه پس از سال ۵۷ شاهد یک جنبش سازمان یافته و تحزب یافته بود. بعد از انقلاب، مردم کردستان بدون هیچگونه توهمی نسبت به اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، به صحنه آمدند و توسط نیروهای پیشرو خودشان را سازمان دادند. کردستان در یک دوره ای مثلاً سالهای ۶۰ تا ۶۳ سنگر اصلی مبارزه و مقاومت در برابر جمهوری اسلامی شد و سازمانهای کمونیستی و انقلابی بسیاری دوشادوش مردم کردستان به مبارزه سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی پرداختند. هنوز هم مردم کردستان، کوچ تاریخی مردم مریوان را به خاطر دارند. مردم سنندج هنوز خاطره شوراهای مردمی و انقلابی خودشان را از یاد نمی برند. خوب این مسائل به

شکلگیری یک سنت مبارزاتی مترقی، مردمی و متشکل در کردستان شد که باید در جاهای دیگر ایران و در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی آن را تکثیر کرد.

جنبشهای سیاسی و اجتماعی در ایران جای رشد زیادی دارند، دقیقا چون همانطور که شما گفتید چون بر گسلهای واقعی بنا شدن. فعالین چپ و سوسیالیستی باید این پتانسیل را دیده و آن را ارتقا بدهند. جامعه را باید در یک مسیر انقلابی تر و رادیکال تر سازماندهی کنند. امیدوارم این جنبش فقط یک جنبش اعتراض نباشد و به یک جنبش وسیع و انقلابی سراسری تبدیل شده و برای ریشه کن کردن نظام بهره کشی و ستم و استثمار طبقاتی و یک جهان بهتر پیش برود.

توضیحات

۱- کوچ مریوان در تیر ۱۳۵۸ در اعتراض به حضور نیروهای سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در شهر مریوان و جنایت علیه مردم این شهر و سایر شهرهای کردستان صورت گرفت. (اطلاعات کاملتر و دقیقتر میشود.

۲- نشریه حقیقت شماره ۸۲. خرداد ۱۳۹۷ برای دانلود این سند و این نشریه به سایت حزب (www.cpimlm.com) رجوع کنید.

